فصلنامه‌ی مطالعات توسعه‌ی اجتماعی- فرهنگی، دوره‌ی دوم، شماره‌ی۳، زمستان ۹۲، صفحات ۹-۲۵

پژوهشی مردم‌شناختی در نقوشِ گیاهی مزارهای آرامگاه میرزا کوچک در سلیمان‌داراب رشت

اصغر عسکری خانقاه[۱]، اعظم خورشیدی[۲]

تاریخ دریافت:۱۳۹۲/۰۳/۲۸ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۰۸/۱۷

چکیده

مزارها متناسب با فرهنگ و تفکرات انسانی در هر منطقه‌ای شکل می‌گیرند. بر مزارها از نقوش مختلف انسانی، گیاهی، حیوانی گرفته تا نقوش هندسی، اسلیمی و غیره ترسیم می‌شوند. پژوهش حاضر با هدف بررسی مردم‌شناختی نقوش گیاهیِ مزارهای آرامگاه میرزا کوچک در محلّه‌ی سلیمان‌داراب رشت انجام شده است. با تغییر و تحولِ مزارها در گذر زمان، بخشی از فرهنگ مردم دچار دگرگونی و حتی گاهی منسوخ می‌شود؛ از این رو، پژوهش در این امر ضرورت می‌یابد. داده‌ها به روش مردم‌شناسی ژرفانگر و از طریق مشاهده‌ی مشارکتی مستقیم در محل تحقیق گردآوری شده و به‌عنوان نمونه از ۲۰٦٤ فقره از مزارها عکس فراهم آمده است. این پژوهش در چارچوب مکتب کارکردگرایی مالینوسکی انجام شده و داده‌ها به روش توصیفی- تحلیلی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته‌اند. حاصل کار این‌که نقوش گیاهی مزارهای این آرامگاه با فرهنگ ایرانی و بومی رشت رابطه‌ای عمیق دارند و برخی از آن‌ها مانند: ساقه‌های گندم و برنج از اعتقادات و باورهای مردم منطقه نشأت می‌گیرند.

واژه‌های کلیدی: آرامگاه میرزا کوچک، سلیمان‌داراب، مزارها، نقوش گیاهی

[۱].استاد گروه انسان‌شناسی دانشگاه تهران(نویسنده مسؤول) Asgari.khaneghah@yahoo.com

[۲].کارشناسی ارشد ایران‌شناسی دانشگاه گیلان Azam_khorshidi@yahoo.com

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

۱. مقدمه

آداب، رسوم، آیین‌ها و باورهای انسان آن چنان در تاروپودِ هستی‌اش تنیده شده که حتی پس از مرگ او نیز در ساختار آرامگاهش قابل مشاهده است. از آن‌جایی که ایران کشوری با تنوّع فرهنگی و قومی است یکی از راه‌های شناخت اقوام ایرانی بررسی مزارهای آن‌هاست. مزارها صحنه‌هایی از تاریخ، هنر، افکار و باورهای مردم هر منطقه درباره‌ی مرگ و زندگی را به تصویر می‌کشد که با واکاوی آن‌ها می‌توان جنبه‌های متفاوتی از فرهنگِ مردم را مشخص کرد. مزارها برگ‌های پراکنده‌ای از کتاب زندگی بشری‌اند که با جمع‌آوری و بررسی آن‌ها می‌توان به شناخت مردم نایل شد.

آرامگاه‌ها که هم‌چون موزه‌ای مرگ و زندگی بشر را به نمایش می‌گذارند، بخشی از هنرهای مردمی را در بر می‌گیرند. نقوش ترسیم‌شده بر مزارها در حیطه‌ی مردم‌شناختی هنر بررسی می‌شوند. عناصری می‌گوید: «هنر عامه در تار و پور اجتماع جای دارد ... هنر مردمی از زندگی جدا نیست بلکه بافته‌شده در متن اصلی زندگی است... تاریخ‌نویسی با تصویرنگاری آغاز می‌شود و یکی از نمونه‌های آن سنگ مزار است که می‌توان آن‌ها را نخستین کتاب‌های جهان دانست» (عناصری، ۱۳٦۸: ٤۳ – ۵۰). هنر و زندگی بشری به یک‌دیگر پیوسته است و آثار هنری وسیله‌ای برای شناخت زندگی اجتماعی، فرهنگی، آداب و رسوم جوامع و اقوام مختلف شمرده می‌شوند. از این‌رو، پژوهش حاضر با هدف بررسی مردم‌شناختی نقوش گیاهی مزارهای آرامگاه میرزا کوچک و شناخت بخشی از فرهنگ بومی رشت انجام شده است.

با تغییر در نظام‌های اجتماعی و سیاسی و همسو با گذشت زمان، تغییرات چشمگیری در فرهنگِ جامعه حادث می‌شود که همه‌ی مسائل زندگی را در بر می‌گیرد. فاضلی معتقد است: «هنرها و آثار هنری در یک بستر اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و ... شکل می‌گیرند که این بستر در طول زمان یک فرایند تاریخی را طی می‌کند؛ به این معنا که با تحول و تغییر تاریخی بستر، سبک‌ها و محتواهای آثار هنری یعنی مضامین و فرم‌ها دستخوش دگرگونی‌هایی می‌شوند» (فاضلی، ۱۳۹۱: ۱۸). مزارها نیز با گذشت زمان بر اثر عوامل طبیعی فرسایش می‌یابد و پیشرفت تکنولوژی، تغییراتی در آن‌ها به دنبال دارد؛ در نتیجه مزارهایی با طرح‌های نوین جایگزین مزارهای قدیمی می‌شود و بخشی از فرهنگ مردمی، در خط سیر زمان، به نوعی دچار تغییر و گاهی نیز منسوخ می‌شود. به همین دلیل، انجام این پژوهش **ضرورت** می‌یابد.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

پرسش اصلیاین است که بر مزارهای آرامگاه میرزا کوچک در دوره‌های مختلف زمانی چه نقوش گیاهی ترسیم شده و این نقوش چه مضامین فرهنگی و مردم‌شناختی را دربر می‌گیرد؟

لازم به‌ذکر است که برای تحلیل داده‌ها از برخی منابع مردم‌شناسی و هنر بهره گرفته شد. این پژوهش، کلیات (مقدمه، چارچوب نظری، پیشینه‌ی تحقیق، روش تحقیق)، یافته‌های تحقیق (محله‌ی سلیمان‌داراب و آرامگاه میرزا کوچک، نقوش گیاهی مزارهای آرامگاه میرزا کوچک) و در نهایت، بحث و نتیجه‌گیری را شامل می‌شود.

۲. چارچوب نظری

پژوهش حاضر در چارچوبمکتب کارکردگرایی[۱] مالینوسکی[۲] انجام شده است. «نظریه‌ی مالینوسکی یعنی کارکردگرایی بر این نکته استوار است که تمام خصوصیات فرهنگی برای برآوردن احتیاجات افراد در جامعه به‌وجود آمده‌اند؛ یعنی کارکرد یک خصوصیت فرهنگی، در قدرت آن برای برطرف کردن برخی از نیازهای اولیه‌ی اعضای گروه خلاصه می‌شود. نیازهای اولیه شامل: تغذیه، تولیدمثل، آسایش، تأمین سلامتی و ... است. بعضی از عناصر فرهنگی این نیازهای اولیه را رفع می‌کنند. پس از آن نیازهای ثانویه‌ای نیز وجود دارند که باید ارضا شوند ...» (عسکری خانقاه و کمالی، ۱۳۸۷: ۲۶۰– ۲۶۱). با توجه به اصول و قواعد این مکتب، نقوش گیاهی در اثر نیازهای مردم به آرامش روحی و روانی، اعتقاد به جاودانگی و شادی روح متوفی بر مزارها ترسیم می‌شوند و برخی از این نقوش با آیین‌ها و باورهای مردم رشت در زمینه‌ی باروری و نوع معیشت آنان پیوند عمیقی دارند. این مسأله در بررسی نقوش گیاهی مزارها و در بخش یافته‌های تحقیق به خوبی خود را نشان می‌دهد.

۳. پیشینه‌ی تحقیق

پژوهش در خصوص نقوش مزارهای این آرامگاه چندان که باید صورت جدّی نداشته و بیش‌تر به پیشینه‌ی تاریخی آرامگاه پرداخته شده است. ما نیز در معرفی محله‌ی سلیمان‌داراب و آرامگاه میرزا کوچک به اختصار از آن سخن گفته‌ایم. هم‌چنین، از جمله مقالاتی که در زمینه‌ی

---

۱. Fonctionnalisme

۲. Malinowski

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

نقوش مزارها انجام شده عبارتند از: **۱**- مقالات هوشنگ پورکریم: ۱. «سنگ مزارهای ایران»، مهرماه (۱۳٤۲)، نشریه‌ی شماره‌ی ۱۲ هنر و مردم؛ ۲. «نقش و نگارهای عامیانه‌ی ایران و اهمیت گردآوری و بررسی آن‌ها»، تابستان (۱۳۵۳)، نشریه‌ی شماره‌ی ۱ مردم‌شناسی و فرهنگ عامه مردم. **۲**- مقاله‌ی پدرام خسرونژاد: «سنگ‌های مزار از پنجره‌ی مردم‌شناسی هنر»، مهرماه (۱۳۷۷)، شماره‌ی ۱ کتاب ماه هنر. **۳**- مقاله‌ی عبدالرضا چاریی: «هنرهای سنتی: نقش‌های سنگ مزارهای گورستان دارالسلام شیراز»، فروردین و اریبهشت (۱۳۸۷)، نشریه‌ی شماره‌ی ٦ هنر و معماری «آینه‌ی خیال».

٤. روش تحقیق

داده‌ها به روش مردم‌شناسی ژرفانگر و از طریق مشاهده‌ی مشارکتی مستقیم در میدان تحقیق (آرامگاه میرزا کوچک) گردآوری شده، به این صورت که از کُل مزارهای این آرامگاه که در حدود ٤۰۰۰ فقره است، به‌عنوان نمونه از ۲۰٦٤ فقره عکسبرداری شده است. در مرحله‌ی بعد، داده‌ها به روش توصیفی- تحلیلی و با **مصاحبه** از سنگ‌تراشان و مردم رشت مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته‌است.

۵. یافته‌ها

۵-۱- محله‌ی سلیمان‌داراب و آرامگاه میرزا کوچک

محله‌ها، نوعی جایگاه یا سکونت‌گاه‌های اجتماعات شهری است که عوامل و عناصر متعددی در نحوه‌ی استقرار و شکل‌گیری آن‌ها در یک فضای شهری مؤثرند؛ از این رو تفاوت حضور آن با اجتماعات انسانی در مناطق روستایی مشخص می‌شود. محله می‌تواند به تناسب موجودیت خود محل عبور و مرور و نیز استقرار گروه‌های مختلف انسانی با ویژگی‌های قومی- مذهبی، فرهنگی، اقتصادی، زبانی و غیره باشد.

در این‌صورت محله‌ها، محل تصمیم‌گیری سیاست‌های کوچک شهرنشینی در یک فضای کالبدی معین است. بنابراین، در بسیاری از موارد شناخت مساکن به عوامل جان‌یابنده‌ی آن یعنی محله‌ها ربط می‌یابد و این‌که چرا و چگونه چنین سکونت‌گاه‌هایی در فلان و بهمان محله شکل گرفته است. در واقع انسانِ اندیشه‌ورز امروزی با نوعی خرد واقع‌بینانه به ساختارِ ریشه‌ها یا رگ‌های فرعی تفکر خود که در مجموعه‌ای مادی و به شکل ویژه‌ای به‌صورت خانه یا مسکن

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

خلاصه می‌شود، جان می‌دهد. محله یا محله‌ها با تفکر چنین انسانی به پایگاه محکمی تبدیل شده و فضای تنفسی وی را تشکیل می‌دهد و آن را به شهر متصل می‌کند.

البته آن چنان که برخی از نویسندگان اظهار داشته‌اند محله در بسیاری از شهرهای اسلامی و پس از غلبه‌ی اسلام از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بود و باید گفت که مسلمانان «در محدوده‌ی محله‌ی خود آزادی عمل داشتند و در پناه امنیتی که فضای کالبدی- اجتماعی محله و دستگاه حاکمه‌ی شهر برای آنان فراهم می‌کرد، آداب و رسوم و مناسک دینی خود را انجام می‌دادند ... و فضای نسبتاً امن محله، فرصت تحکیم پیوندهای مذهبی را برای آن‌ها فراهم می‌کرد تا به سهولت بتوانند به آرمان‌های خود نایل شوند» (بحری مقدم و یوسفی‌فر، ۱۳۹۲: ۱۰).

با توجه به نکات پراهمیتی که در خصوص محله در شهرها می‌توان گفت، محله‌ی سلیمان‌داراب شهر رشت و بقعه‌ی سلیمان دارابی که آرامگاه میرزا کوچک در اطراف آن است محل مورد تحقیق این پژوهش بوده است که به عناصر متشکله‌ی هر یک از آن‌ها می‌پردازیم.

محله‌ی سلیمان‌داراب در دهستان لاکان، بخش مرکزی شهرستان رشت و در ۱/۵ کیلومتری جنوب شهر رشت واقع است. وجه تسمیه‌ی آن، بقعه‌ی سلیمان دارابی در این محله است. علاوه بر گیلک‌ها، اغلب ساکنان این محله را اقوام ترک تشکیل می‌دهند. «زبان اصلی مردم رشت، «گیلکی» یکی از شاخه زبان‌های فارسی میانه؛ یعنی زبان پهلوی (پارتی) قدیم است ... ایشان به لهجه بیه پسی (غرب گیلانی)، به گویش رشتی (زبان معیار گیلکی) تکلّم می‌کنند که زبانشناسان آن را جزء گروه زبان‌های ایرانی کرانه‌ی دریای کاسپی دانسته‌اند» (پندی، ۱۳۸۷: ۳۶۳). هم‌چنین، اقوام مختلف رشت به زبان یا گویش‌های خاص خود سخن می‌گویند. شغل اصلی مردم کشاورزی است و برنج عمده‌ترین محصول زراعی محسوب می‌شود. این منطقه به سبب داشتن خاک مرغوب، شرایط مساعد اقلیمی و رطوبت زیاد دارای پوشش گیاهی بسیار از گونه‌های مختلف مانند: نیلوفر، قاصدک، شمشاد، انجیر، ازگیل، سیب، آزاد و غیره است.

آرامگاه میرزا کوچک در اطراف بقعه‌ی سلیمان‌دارابی شکل گرفته و در خیابان «میرزا کوچک» واقع شده است. این آرامگاه حدود ۱۰ هزار مترمربع مساحت و دو در ورودی دارد. زمان شکل‌گیری آرامگاه را باید با توجه به بقعه‌ی سلیمان دارابی و قدمت آن ارزیابی کرد. «از القاب و عناوینی که بر سر قبر او منقور است معلوم می‌شود که «سلیمان داراب» (به طوری که اهالی رشت می‌گویند) یا «شیخ پیر سلیمان بنی دارای رشتی» (چنان‌که بر سر قبر او مسطور است) از مشایخ قرن دهم هجری ... و از زهاد و عرفای زمان خویش بوده است» (نفیسی، ۱۳۰۵: ۳۶۲).این بقعه را

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

گورستان معروف و قدیمی «سلیمان‌داراب» که مأخوذ از نام خود اوست دربرگرفته که قدیمی‌ترین آرامگاه رشت است. آرامگاه سلیمان‌داراب بعد از شهادت «شیخ یونس» معروف به «میرزا کوچک» و تدفین او در قسمت شرقی بقعه، «آرامگاه میرزا کوچک» نامیده شد. این آرامگاه در تاریخ ۱۳۸۲/۰۳/۱۰ به شماره‌ی ۸۷۸۲ در فهرست آثار ملی کشور به ثبت رسید.



عکس شماره‌ی ۱- نمایی از آرامگاه میرزا کوچک

۵-۲- نقوش گیاهی مزارهای آرامگاه میرزا کوچک

انسان برای ابراز اندیشه‌ها و مفاهیمی که بیان و توصیف کلامی آن‌ها مشکل بوده از نقوش استفاده می‌کند. نقش به معنی: «تصویر، ترسیم، صورت، رسم و طرح» (معین، ۱۳٦٤: ٤۷۸۹) است. نقوش گیاهی، تصاویری گیاهی است که سنگ‌تراشان بر مزارها ترسیم کرده‌اند. هر نقشی دارای دو معنی است: یکی معنای حقیقی و دیگری معنای استعاری و پنهان (مجازی) آن است. نقوش گیاهی بر مزارهای خوابیده (افقی) و محرابی (ایستاده) آرامگاه میرزا کوچک دیده می‌شوند که عبارتند از: درختان، ساقه‌ها، گل‌ها و برگ‌ها.

- **درختان**

درخت از گذشته‌های دور در فرهنگ مردم رشت دارای اهمیت و تقدس بوده است؛ چنان‌که برخی از درختان کهن‌سال توسط آنان حرمت دارند و مردم از آن‌ها حاجت می‌خواهند. نقش سه نوع درخت بر مزارهای این آرامگاه به چشم می‌خورد:

- **نخل (درخت خرما):** نقش درخت نخل بر مزار نوجوانی متوفی به سال (۱۳٥٦.ش) دیده می‌شود. درخت نخل «در ایران باستان به خاطر زیبایی، مقاومت و برکت «درخت زندگی» لقب

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

داشته، به حدّی با توجه و تکریم ایرانیان رو به رو بوده که در اکثر هنرهـای ایـران قبـل از اسـلام تصویر و تأثیر آن را می‌توان مشاهده کرد» (ضابطی جهرمی، ۱۳۸۹: ۲۸٤). هم‌چنین انار و نخل در قرآن کریم به‌عنوان میوه‌های بهشتی می‌باشند (سوره‌ی الرحمن، ۵۵: ۸)؛ از این رو، نقـش درخـت نخل بر مزارها، ریشه در فرهنگ کهن ایرانی داشته و مفهوم باروری و برکت را می‌رساند.



عکس شماره‌ی ۲- نخل (درخت خرما)

- **چنار:** نقش درخت چناربر یک نمونه از مزارها متعلق به جوان ناکامی آمده اسـت. چنـار در باورهای مردم رشت تقدس ویژه‌ای دارد. بر این درختان پارچه‌های سبز دخیل مـی‌بندنـد، زیـر آن شمع روشن می‌کنند و حاجت می‌خواهند. «در ایران قدیم چنار، مظهر غنـا و بـاروری، سرسـبزی طبیعت، موجب برکت و نعمت خدایان و ارواح بوده است. چنارهای کهن، برکت و پر محصـولی را به زمین و خانواده می‌بخشند و موجب بارداری و سلامت زنان می‌شوند» (یاحقی، ۱۳۹۱: ۳۰۵). بعلاوه، در فرهنگ عامه، جوان را در بلندقامتی به چنار و سرو تشبیه می‌کنند.



عکس شماره‌ی ۳- چنار و انگور

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

- **تاک یا انگور:** نقش ساقه‌های درخت انگور که بر درخت چناری پیچیده شده بر مزار جوانی ناکام دیده می‌شود. «در نوشته‌های کهن، تاک همراه با چنار ذکر می‌شود؛ زیرا چنار مظهر شاه و تاک مظهر همسر اوست. به هم پیچیده‌شدن تاک و چنار، به معنای دوام سلطنت از طریق خون است» (همان:۱۷۰). به نوعی مفهوم جاودانگی و دوام حیات را می‌رساند.

- **ساقه‌ها**

- **ساقه‌ی گندم:** نقش ساقه‌ی گندم بر مزارهای آرامگاه میرزا کوچک بیش‌ترین بسامد را دارد و بر مزارهای دوره‌ی پهلوی و انقلاب اسلامی ترسیم شده است. این نقش در ظاهر شبیه به ساقه‌های گندم است و سنگ‌تراشان آن را «گُل گندم» می‌نامند. نقش گُل گندم در تمام بخش‌های مزارهای خوابیده: حاشیه‌ها، سرآغاز، اطراف کلمه‌ی آرامگاه و نام متوفی، برای کادربندی در اطراف تاریخ تولد و وفات، متون و اشعار و بر مزارهای محرابی نیز به کار می‌رود. این نقش، ریشه در باورهای مردم رشت دارد و مفهوم باروری و حاصل‌خیزی را می‌رساند. زیرا اقوام مختلف رشت در روزِ پیش از عید نوروز به همراه هفت سین، سبزه به آرامگاه‌ها می‌برند. هم‌چنین، گندم و برنج برای کبوتران می‌ریزند تا ثوابش به روح متوفی برسد. علاوه بر این، گندم در فرهنگ اسلامی، به داستان آدم و اخراج او از بهشت مربوط می‌شود. وقتی ابلیس به حیله در بهشت شد، آن را «درخت جاودانگی» معرفی کرد.



عکس شماره‌ی ٤- گل گندم

- **ساقه‌ی برنج:** نقش ساقه‌های برنج بر بعضی از مزارها دیده می‌شود. برنج از اقلام کشاورزی است که در استان گیلان و شهر رشت کشت می‌شود و در زندگی و تغذیه‌ی مردم اهمیت فراوانی دارد. از طرف دیگر، این نقش تحت تأثیر باورهای مردم رشت شکل گرفته است. گیلک‌ها

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

می‌گویند در زمان قدیم پس از دفن متوفی، ساقه‌ها یا «کُولِش»[۱] برنج را در گورها قرار می‌دادند. بدین ترتیب که «پس از گذاشتن مرده‌ها در درون قبر، چند چوب معمولاً پانزده، هفده یا بیست و یک عدد مورب، در گور می‌گذاشتند، روی آن برگ یا ساقه‌ی خشکیده برنج می‌نهادند و سپس خاک می‌ریختند» (بشرا و طاهری، ۱۳۸۹: ۱۰۸). هم‌چنین، وقتی چند نفر از اعضای خانواده پشت سر هم فوت می‌کردند، مُشتی برنج در آرامگاه می‌کاشتند و یا مرغ و لنگه کفشی را دفن می‌کردند تا مانع مرگ بقیه‌ی افراد خانواده شود. امروزه، این باورها تنها در خاطر کهنسالان باقی مانده‌است. کشاورزان گیلک در این زمینه باورهای خاصی دارند؛ در گذشته زمانی که اولین خوشه‌های برنج سر برمی‌آورد چند ساقه‌ی سبز را بر مزارها می‌نهادند و معتقد بودند که این عمل، برکت زمینشان را افزایش می‌دهد. این باور به نوعی طلب برکت از روح متوفی بوده، اما امروزه از یادها رفته و منسوخ شده است. در حال حاضر، کشاورزان گیلک وقتی اموات را از منزل به آرامگاه می‌آورند، مُشتی برنج بر روی تابوت می‌ریزند و بر این باورند که متوفی با چشم و دل سیر از دنیا می‌رود. هم‌چنین، برنج و گندم را بر سنگ مزارها می‌ریزند تا پرندگان بخورند و ثوابش به روح متوفی برسد.





عکس‌های شماره ۵ و ٦- ساقه برنج

۱. Koleš

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

- **گُل‌ها**

طرح گُل را می‌توان در عموم آثار هنری و صنایع دستی ایران مثل قالی، کاشی، پارچه‌بافی، مینیاتور و غیره جستجو کرد. سنگ‌تراشان نیز نقش گل‌ها را بر مزارها به تصویر می‌کشند، البته نقش هر گلی بر مزارها دیده نمی‌شود.

- **لاله:** نقش گل لاله از نقش‌هایی است که بر اکثر مزارهای دوره‌ی پهلوی و انقلاب اسلامی دیده می‌شود و بعد از نقش گل گندم، بیش‌ترین بسامد را دارد. این نقش، در بخش‌های مختلف مزارها از قبیل: سرآغاز، حاشیه‌ها، در دو طرف نام متوفی و کلمه‌ی آرامگاه آمده است. در برخی از مزارها، نقش این گل به‌صورت برجسته بوده و نام متوفی بر آن نوشته شده و در چند نمونه، نام متوفی بر گل لاله و تاریخ ولادت و وفات بر برگ‌های این گل حک شده است. در فاصله‌ی بین مزار شهدا، برای هر شهیدی نقش یک گل لاله دیده می‌شود؛ زیرا در هنر انقلاب اسلامی، لاله نماد شهید است. «اگر واژه‌ی لاله را قلب کنیم و جای حروف آن را تغییر دهیم نام مقدّس الله به دست می‌آید. شاید به این دلیل باشد که گل لاله غالباً در مشاهد متبرکه، کاشیکاری‌های مساجد، بر دیوار آب انبارهای عمومی و سنگ مزارها به‌عنوان زینت منقوش است» (یاحقی، ۱۳۹۱: ۷۱۷).



عکس شماره‌ی ۷- گل لاله

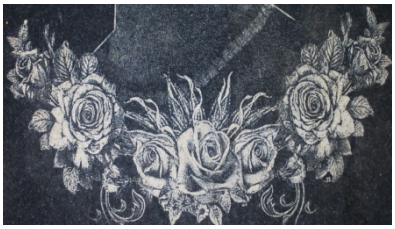
- **گلایول:** بر یک نمونه از مزارها، مربوط به سال (۱۳۸۲.ش) در سرآغاز و خاتمه سنگ، نقش گل گلایول قرمز دیده می‌شود. مردم رشت برای متوفی گلایول قرمز، سفید و صورتی می‌برند، اما گلایول سفید بیشتر مرسوم است زیرا گل سفید نشانه‌ی مرگ است.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]



عکس شماره‌ی ۸- گل گلایول

- **گل سرخ:** نقش گل سرخ در طرح‌های متنوع بر سرآغاز مزار، اطراف تصویر متوفی و حاشیه‌ی مزارهای خوابیده و به همراه شمع به‌عنوان طرحی برای سنگ محرابی نیز به‌کار رفته است. در برخی موارد، این گل به‌صورت خمیده و به نحوی که سرش به‌طرف پایین قرار دارد به تصویر کشیده شده است که استعاره از مرگ و افتادن گُلی از درخت زندگی می‌باشد. فریزر بر این عقیده است که: «گل سرخ و شقایق از تن خاک‌شده‌ی ارواح می‌رویند، از خون آنان رنگین و گلگون‌اند و بخشی از روح آنان را در خود دارند» (فریزر، ۱۳۸۷: ۳۸۹). «گل سرخ مظهر کمال است، بدین معنی که کاسه‌ی گل سرخ به‌عنوان پیمانه‌ی زندگی و جام حیات و قلب گل، برانگیزنده‌ی عشقی بهشت آیین است» (دوبوکور، ۱۳۸۷: ۱۰۱). بنابراین، نقش این گل بر مزارها بیان‌کننده‌ی دوام زندگی، جاودانگی و عشقِ بستگان به متوفی است.





عکس‌های شماره‌ی ۹ و ۱۰- گل سرخ

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

- **گل محمدی:** نقش گل محمدی بر برخی از مزارها دیده می‌شود که از باورهای مردم نشأت می‌گیرد. «عوام معتقدند که گل محمدی از عَرَق روی حضرت محمد (ص) که به زمین چکید سبز شده است» (هدایت، ۱۳٤۲: ۸۷).



عکس شماره‌ی ۱۱- گل محمدی

- **نیلوفر:** بر یکی از مزارها (۱۳۲٦.ش) در کنار مسجد میرزا کوچک، نقش گل نیلوفر به‌همراه دو گل لاله‌ی خمیده در داخل گلدان و به‌صورت برجسته آمده است. هم‌چنین، نقش نیلوفر دوازده پَر پارسی که بر دیواره‌های تخت‌جمشید دیده می‌شود، بر سرآغاز و خاتمه دو مزار مربوط به سال‌های (۱۳۳۲.ش) و (۱۳٤٦.ش) به‌صورت برجسته ترسیم شده است. نیلوفر از زمان‌های گذشته تا به حال هم‌چنان در فرهنگ و هنر ایرانی حفظ شده و رنگ کبود آن، مظهر ماتم و عزا به‌حساب می‌آید.





عکس‌های شماره‌ی ۱۲ و ۱۳- نیلوفر

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

- **شمعدانی**: نقش گل شمعدانی در حاشیه‌ی مزارها، بسیار به‌کار رفته و در برخی موارد تاریخ ولادت و وفات را بر برگ‌های گل شمعدانی نوشته‌اند. در یک نمونه از مزارها (۱۳۷٦.ش)، نقش دو گلدان و گل شمعدانی دیده می‌شود که بر یکی طلوع و بر دیگری غروب نوشته شده است؛ یکی از گل‌ها به‌صورت پژمرده و خمیده، دیگری تازه و سر زنده است که استعاره از ولادت و وفات است.



عکس‌های شماره‌ی ١٤ و ١٥- شمعدانی

- **گل قاصدک**: گل قاصدک همان‌گونه که از اسمش پیداست در فرهنگ عامه گل قاصد یا خبرآور است. نقش گل قاصدک به گونه‌ای بر یکی از مزارها (۱۳٦٥.ش) به تصویر کشیده شده که قسمتی از گلبرگ‌هایش بر زمین ریخته است. این گل برگ‌ریزان در پاییز، جدایی و مرگ را تداعی می‌کند و بر مزارها نشانه‌ی مرگ عزیزی است که هم‌چون گلی پَرپَر شده است. هم‌چنین، گلبرگ‌های قاصدک به صورت پراکنده در سرآغاز مزاری مربوط به سال (۱۳۸۱.ش) آمده است.



عکس شماره‌ی ١٦- گل قاصدک

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

- **برگ‌ها**

در بعضی از مزارها به جای درخت و گل، نقشِ برگ دیده می‌شود. «برگ، مظهر باروری، رشد و تجدید حیات است. برگ‌های سبز نشان امید، احیا و تجدید حیات و برگ‌های زرد به معنی غم، پاییز و پوسیدگی است» (کوپر، ۱۳۷۸: ۵۵). با نقش برگ، حاشیه‌های مزار و اطراف تصویر متوفی را تزیین می‌کنند.

- **برگ نخل**: این نقش به صورت دو برگ نخل در سرآغاز مزارها، در اطراف کلمه‌ی «آرامگاه» و در حاشیه نیز از آن استفاده شده است. درخت نخل همواره مورد توجه هنرمندان بوده و صنعتگران مسلمان اشکال برگ نخلی را از نمونه‌های دوره‌ی ساسانی اقتباس کرده‌اند.



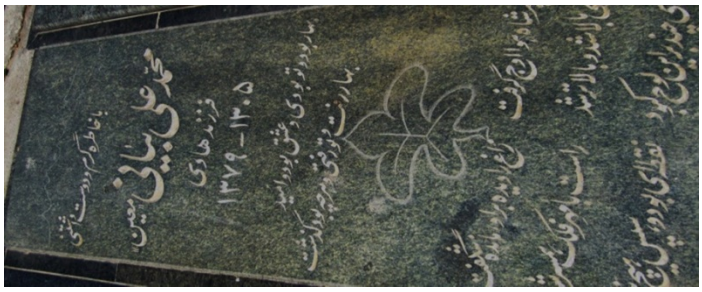


عکس‌های شماره‌ی ۱۷ و ۱۸- برگ نخل

- **برگ انجیر**: یک نمونه از مزارها (۱۳۷۹.ش) دارای نقش تک برگ انجیر در میان سنگ‌نوشته است. درخت انجیر در قرآن مجید، درختی مقدس و مبارک است و خداوند به آن سوگند یاد کرده است (سوره‌ی التین، ۹۵: ۳ – ۱). «در برخی از باورها نماد فراوانی و برکت و نیز نشانه‌ی علم دین به‌شمار می‌رود. در تفسیرهای قرآن، انجیر میوه بهشتی و ... معرفی شده است. در مقابل بسیاری از

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

معابد اسلامی و بر سر گور اغلب عارفان درخت انجیر کهنسالی دیده می‌شود که مقـدس و مـورد احترام مردم است و عوام از آن حاجت می‌خواهند» (یاحقی، ۱۳۹۱: ۱۶۹).



عکس شماره‌ی ۱۹- برگ انجیر

علاوه بر موارد فوق، برخی از نقوش ختایی نیز بر مزارهای این آرامگاه دیده می‌شوند. نقـوش ختایی از ساقه‌ای اعم از گل، غنچه و برگ تشکیل شده‌اند و از آن‌ها بیش‌تر در حاشیه‌ی مزارهـا و کادربندی نوشته‌ها در مزارهای خوابیده استفاده شده است. هنرمندان با ترسـیم نقـوش ختـایی بـر مزارها، تحرّک در زندگی، تمایل انسان به عالم ملکوت و بهشت را یادآور می‌شوند و این نقـوش، بیان‌کننده‌ی تأثیر فرهنگ اسلامی و افکار دینی مردم رشت بر مزارها است.



عکس شماره ۲۰. نقش ختایی

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

٦. بحث و نتیجه‌گیری

آثار هنری در هر جامعه‌ای آینه‌ی تمام نمایی از فرهنگ مردم است و اقوام مختلف افکار، آداب و آیین‌های خود را در آن به نمایش می‌گذارند. زندگی انسان از هنر بهره می‌برد و انسان حتی مزارهای آرامگاه را نیز به‌وسیله‌ی نقوش تزیین می‌کند. ترسیم نقوش گیاهی بر مزارهای آرامگاه میرزا کوچک با اعتقادات و باورهای مردم ولایت رشت و حتی مردم سایر ولایات گیلان با کاشتن درختان و گل‌ها در آرامگاه‌ها و بر مزارها مرتبط است. از گل‌ها و درختانی که در آرامگاه کاشته شده‌اند مانند گل سرخ، گلایول، محمدی، درخت نخل و غیره امروزه نقش آن‌ها بر مزارها منتقل شده است. زیرا با گذشت زمان و با پیشرفت تکنولوژی و دانش بشری، انسان روش دیگری برای حفظ باورها و اعتقادات خود یافته است. هم‌چنین، نقوش گیاهی بیش از هر نقش دیگری در مساجد و اماکن مذهبی به‌چشم می‌خورند و در مزارها به نوعی از این شیوه‌ی موجود در اماکن مذهبی الهام گرفته شده است. از نقوش گیاهی پربسامد بر مزارها می‌توان از نقش گل گندم و ساقه‌ی برنج نام برد که از باورهای مردم رشت نشأت می‌گیرد. باور به پاشیدن دانه‌های گندم و برنج بر روی سنگ مزارها، مربوط به آیین‌های کشاورزی و ناشی از تفکرات زایش و باروری در گذشته است. امروزه طلب باروری و حاصل‌خیزی به‌صورت نقش گل گندم و ساقه‌های برنج جلوه می‌کند؛ این موضوع، تغییر و تحول باورها را متناسب با تکامل فرهنگی و اجتماعی نشان می‌دهد. نقش گل گندم بر مزار اقوام مختلف شیعه اعم از گیلک، ترک، کُرد و تالش هم‌چنین فرقه‌ی اهل حق ترسیم شده است. اقوام دیگر رشت تحت تأثیر اندیشه‌ی کشاورزان رشتی قرار گرفته‌اند و ترسیم این نقش توسط سنگ‌تراشان، برآمده از فرهنگ بومی آن‌هاست. از این رو، نقوش گیاهی مزارها تلفیقی از فرهنگ ایرانی و بومی مردم رشت است؛ نقوش سنتی هنوز هم به‌کار می‌روند و ماندگاری و دوام آن‌ها را می‌توان در زندگی مردم مشاهده کرد. هم‌چنین، استفاده از برخی نقوش گیاهی در دوره‌های مختلف زمانی، ریشه در باورها و اعتقادات مردم منطقه دارد.

نقوش گیاهی مزارها علاوه بر زیبایی‌های تزیینی، دربرگیرنده‌ی معانی و مفاهیمی هستند که انعکاس‌دهنده‌ی شرایط اجتماعی، مذهبی، فرهنگی، اقلیمی و معیشتی منطقه بوده و وابسته به اعتقادات و باورهای مردم رشت است. مطالعه و بررسی آن‌ها به شناسایی مردم منطقه، اعتقادات، باورهای آنان کمک می‌کند و موجب حفظ فرهنگ بومی و غنای فرهنگ ملی خواهد شد.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

منابع

۱. **قرآن کریم** (۱۳۷۹) ترجمه‌ی محمدمهدی فولادوند، تهران: دارالقرآن الکریم (دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی).

۲. بحری مقدم، عباس و شهرام یوسفی‌فر (۱۳۹۲) «عوامل اجتماعی- فرهنگی در شکل‌گیری محلـه در شهر ایرانی- اسلامی و کارکردهای آن»، **مجله‌ی تاریخ و تمدن اسلامی**، سال نهم، شماره‌ی ۱۷.

۳. بشرا، محمد و طاهر طاهری (۱۳۸۹) **آیین‌های گذر در گیلان (مراسم تولد تا مرگ)**، رشت: فرهنگ ایلیا.

٤. پندی، کیوان (۱۳۸۷) **رشتدرآیینه‌یتاریخ**، رشت: کتیبه گیل.

۵. دوبوکور، مونیک (۱۳۸۷) **رمزهای زنده‌ی جان**، ترجمه‌ی جلال ستاری، تهران: نشر مرکز.

٦. ضابطی جهرمی، احمد (۱۳۸۹) **پژوهش‌هایی در شناخت هنر ایران**، تهران: نشر نی.

۷. عسکری خانقاه، اصغر و محمد شریف کمالی (۱۳۸۷) **انسان‌شناسی عمومی**، تهران: سمت: سـازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها.

۸. عناصری، جابر (۱۳٦۸) **مردم‌شناسی و روانشناسی هنری**، تهران: انتشارات اسپرک.

۹. فاضلی، نعمت‌الله (۱۳۹۱) **مردم‌نگاری هنر**: (هنر و ادبیات، جستارهای جامعه‌شناختی و انسان‌شناختی در زمینه‌ی شعر، نقاشی، موسیقی، عکاسی)، تهران: فخراکیا.

۱۰. فریزر، جیمز جرج (۱۳۸۷) **شاخه‌ی زرین (پژوهشی در جادو و دین)**، ترجمه‌ی کـاظم فیروزمنـد، تهران: آگاه.

۱۱. کوپر، جی‌سی (۱۳۷۸) **فرهنگ مصوّر نمادهای سنتی**، ترجمه‌ی ملیحه کرباسیان، تهران: نشر فرهاد.

۱۲. معین، محمد (۱۳٦٤) **فرهنگ فارسی**، ج ٤، تهران: امیرکبیر.

۱۳. نفیسی، سعید (۱۳۰۵) «بقعه‌ی سلیمان داراب در مغرب رشت»، **نشریه‌ی فرهنگ**، سال سوم، شماره‌ی ۱۲: ۳٦٦- ۳۵۹.

۱٤. هدایت، صادق (۱۳٤۲) **نیرنگستان**، تهران: امیرکبیر.

۱۵. یاحقی، محمد جعفر (۱۳۹۱) **فرهنگ اساطیر و داستان‌واره‌ها در ادبیات فارسـی**، تهـران: فرهنـگ معاصر.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

This document was created with Win2PDF available at http://www.win2pdf.com.
The unregistered version of Win2PDF is for evaluation or non-commercial use only.
This page will not be added after purchasing Win2PDF.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]